



انترناسیونال ۳۹۱

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۰ اسفند ۱۳۸۹، ۱۱ مارس ۲۰۱۱

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

چهارشنبه سوری علیه حکومت مرگ و عزا به میدان بیائیم!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره چهارشنبه سوری



چهارشنبه سوری فرا میرسد. به چالش بکشند. دختران و پسران مردم، بخصوص نسل جوان خود را آماده میکنند تا در کنارهم و دست در دست هم، آتش حکومت مرگ و ماتم و عزا، حکومت ضد شادی و ضد زندگی را

صفحه ۲

سرنگونی طلبی و ریزش "جنبش سبز"

حمید تقوایی

مردم ابزاری است. یعنی مردم را ابزاری میبینند برای اینکه فشاری بیاورند به حکومت که "اصلاحاتی" به پیش ببرند. اصلاحاتی که مد نظر خودشان است. ببینید مردم در خیابان - من در خیلی از تظاهرات حضور داشتم - حتی از امثال من که در میخوانند و متاسفانه دیدشان به

"شعار هر ایرانی یک رهبر را میدهند در حالی که شعار مردم توی خیابان را اصلا نمیشنوند. اصولا حضور مردم در خیابان را کنترل شده میخواهند شعارهایشان را هم کنترل شده میخواهند و متاسفانه دیدشان به

صفحه ۳

سرانجام رفسنجانی و سر نوشت جمهوری اسلامی



کاظم نیکخواه

با کنار گذاشته شدن رفسنجانی از ریاست مجلس خبرگان جمهوری اسلامی روز ۱۷ اسفند خامنه ای نتوانست خوشحالی خود را پنهان کند و در یک سخنرانی در همین مجلس کذایی گفت این تحول بدون هیچ تنش و صورت گرفت و این نتیجه درایت آقای هاشمی است! او با این سخن در واقع بر فضای سرنگونی طلبی و التهاب و انقلابی جامعه نیز که او و بقیه حاکمین را به وحشت مرگ انداخته صحنه میگذارد. بهررو هاشمی رفسنجانی از ریاست مجلس خبرگان کنار گذاشته شد و برای اینکه متحمل عواقب بعدی شکست خود نشود شکست را پذیرفت و خود را کنار کشید. از میان کار بدستان زنده جمهوری اسلامی هاشمی رفسنجانی تعیین کننده ترین شخصیت جمهوری اسلامی است که در افت و خیزهای بسیاری کشتی طوفان زده حکومت را از غرق شدن نجات داده است. اما اکنون مدتهاست که آشکارا از نجات این کشتی نا امید شده و در تلاش است خود را از مدفون شدن در زیر آوار جمهوری اسلامی به نحوی نجات دهد. عجالتا او به الطاف خامنه ای یار دیرین خود چشم امید دوخته است تا او و خانواده ثروتمندش را از گزند وحوش خود پرورده جمهوری اسلامی نجات دهد. اما خامنه ای نیز مشکلات و معضلات پیچیده خود را دارد و نمیتواند بدون چشم داشتی سیاسی دست مرحمت به سوی هاشمی دراز کند. وضعیت و موقعیت فعلی هاشمی میشود گفت آینه تمام نمای وضعیت جمهوری اسلامی است. او سمبل تمام سیاستهای به بن بست رسیده است. او از بنانگزاران جمهوری

صفحه ۲

جایگاه ۸ مارس امسال

شهلا دانشفر

های اعتراض و تظاهرات های توده ای مردم، ۸ مارس امسال را بیش از پیش به خیزش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی این رژیم ضد زن در ایران

هدفه اسفند، ۸ مارس، روز جهانی زن، امسال روزی مهم و تاریخی بود. فراخوان به گرامیداشت روز زن با شعار مرگ بر دیکتاتور و در ادامه سه شنبه

صفحه ۷

صفحات دیگر

ابراز همبستگی صدها نفر مردم ایتالیا با زنان در ایران
صفحه ۸

کنفرانس بین المللی در مورد حقوق زن، قانون شریعه و سکولاریسم ۱۲ مارس
صفحه ۸

ترجمه مصاحبه یک روزنامه چاپ سوئد با فریده آرمان در روز زن ۸ مارس
صفحه ۱۲

تجمعات اعتراضی کارگران کیان تایر ادامه دارد
صفحه ۷

نیرداختن قبض ها وسعت میگیرد

کارگران پتروشیمی تبریز به اعتصاب خود پایان دادند
تجمع اعتراضی کارگران نساجی مازندران
صفحه ۱۱

دادگاه جمهوری اسلامی برای رضا شهبابی به تعویق افتاد، بیماری قلبی منصور اسانلو نگران کننده است
دو اعتراض کارگری به نیرداختن دستمزدها
دو خبر از اعتراضات کارگری در شیراز و میبد، صفحه ۱۰

اجرای طرح یارانه ها در چه حال است؟

فرهاد نادری از ایران
ضعیف تر شده و در برابر جنبش سرنگونی طلبی مردم تنها با توحش و بی رحمی دست به مقاومت زده و راهی جز این برای بقا خود نمیبیند. حذف یارانه از کالاهای میگذرد هر روزه ضعیف تر و

مارس امسال دفاع از حقوق زنان و خواست سرنگونی، حکومت اسلامی
صفحه ۹

۸ خواست ۸ مارس! خواست های فوری

جنبش رهائی زن در ایران
صفحه ۱۲

بازتاب هفته

ابوزیسیون و قیح حافظ نظام

یمن: غولی که آزاد شده

باز هم قاچاق اسلحه توسط رژیم
بهرروز مهرآبادی

تظاهرات مردم بیروت علیه نظام فرقه ای و مذهبی

۳۴۰ میلیارد تومان "هدایای نقدی ویژه" احمدی نژاد

محمد شکوهی

صفحات ۵-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سرانجام رفسنجانی و ...

از صفحه ۱

اسلامی است. او در دوره خمینی دو دوره ریاست مجلس اسلامی را بعهدہ داشته. رییس شورای عالی امنیت ملی در دوره جنگ با عراق بوده است. بنانیگزار حزب جمهوری اسلامی بوده است. رییس جمهور اسلامی ایضا در دو دوره بوده است. رییس "شورای انقلاب فرهنگی" کذایی بوده است. و اینها گوشه ای از کارنامه هاشمی در خدمت و رهبری کردن جمهوری اسلامی است. او مظهر و استراتژ شقاوت و سرکوب و جنایات جمهوری اسلامی در کشتارهای سال ۶۰، در حمله جنایتکارانه به دانشگاهها تحت انقلاب فرهنگی، و تمام کشتارها و جنایات و سرکوب و اعدامهای سی و دو ساله جمهوری اسلامی است. در عین حال او را میتوان الهام بخش و پدر آن پروژه شکست خورده ای نامید که بعدها "جنبش دوم خرداد" و "جنبش اصلاحات" نام داده شد. او با شکست جمهوری اسلامی در جنگ با عراق و بحران عمیق اقتصادی و سیاسی حکومت، بعنوان "اصلاح طلب" به ریاست جمهوری اسلامی کشیده شد و سیاست درهای باز و دیالوگ با غرب را مورد دفاع قرار داد. آن زمان، هم در غرب دولتها امیدهای

که با مرور زمان هر روز عمیق تر و لاعلاج تر شد و تا همین اکنون گلولی جمهوری اسلامی را بشدت گرفته است. آن سیاستهایی که هاشمی رفسنجانی شکل داده بود و عملی و هدایت کرده بود و خود تجسم یک جای آنها بود، پس از آن به صورت دو جناح تجسم عینی یافت و مقابل هم قرار گرفت. آنچه دوم خرداد و جنبش اصلاحات نامیده شد، یعنی گرفتن ظاهری قانونمندتر و معقول تر و دیالوگ با غرب و سرکوب و جنایت و تروریسم پوشیده تر، مقابل محافظه کاران و خط دوره خمینی و قداره بندی و چوبه های دار و یک تازی اراذل و امثال اینها قرار گرفت. گویی این رفسنجانی بود که دو تکه شد و هر تکه اش علیه تکه دیگر شمشیر کشید.

انقلاب در پشت در

چند روز قبل از برکناری هاشمی، ویدئویی در سایتهای اینترنتی منتشر شد که چند حزب الهی شناخته شده را نشان میداد که دختر هاشمی فایزه هاشمی رفسنجانی را مورد تعرض قرار داده بودند و او را تهدید به مرگ میکردند و به او فحشهای رکیک میدادند و علیه پدرش شعارهای تند میدادند. این گویی هشدار به رفسنجانی بود که حواس خود را جمع کند و بدون هیچ مقاومتی خود را کنار بکشد. در

هرحال رفسنجانی انتخاب دیگری نداشت. او در شرایطی که جنگ میان جناحهای حکومت مغلوبه شده است، نمیتوانست به میانه بازی ادامه دهد. در عین حال چندان به اینکه پیوستن و حمایت کامل از جناح حاکم آینده خوشی داشته باشد و بتواند به جایی تسکین بخش برسد، امید چندانی ندارد. او آنقدر تجربه و شناخت دارد که انقلاب را در پشت در بو بکشد و بفهمد وضعیت جمهوری اسلامی خرابتر از آنست که بشود روی آن سرمایه گذاری کرد. در عین حال او موقعیت نزار جناح مقابل یعنی جناحی که اکنون با کروی و موسوی تداومی میشود را نیز می بیند، و جایی برای خود در آنجا نمی بیند. اینجاست که او دست شسته از جمهوری اسلامی، به این قناعت رسید که دست به معامله ای برای حفظ شخص خود و خانواده اش بزند. او با ستایش از "درایت خامنه ای" و محکوم کردن اعتراضات مردم بعنوان "فتنه"، و فراخوان به جمع شدن پشت سر خامنه ای، تلاش کرد برای خود فرصتی بخرد تا ببیند آینده چه خواهد شد. و خامنه ای هم پاداشش را با محکوم کردن هتک حرمت و تعریف از درایت رفسنجانی داد. با کنار رفتن از ریاست مجلس خبرگان، رفسنجانی عملاً از ایفای نقش در راس جمهوری اسلامی کنار

زده شد. اما واقعیت اینست که شکست او پیروزی طرف مقابل نیست. جمهوری اسلامی در وضعیتی بحران زده تر و شکننده تر از آن قرار دارد که کسانی که در راس آن قرار دارند بتوانند احساس آرامشی داشته باشند. کسانی مثل احمدی نژاد تلاش میکنند هاله نور را دور سر خود ببینند و به امام زمانشان هرروز دخیل ببندند و به این طریق خود را تسکین دهند. اما نیاز مقابله هرروزه با مردمی که دارند تا پای جان میجنگند تا این حکومت را بیزیر کنند، و واقعیات سرسخت زمینی ای مثل فروپاشی همه جانبه اقتصادی و گرانی و شبح انقلابات منطقه و انقلابی که در خانه در پشت در حضور خود را هرروز نشان میدهد، جایی برای فرو رفتن در این خلسه های احمقانه باقی نمیگذارد. این کابوس است که باعث میشود نه هاشمی با کنار کشیدن از سیاست احساس آرامش کند، نه حاکمین در راس سیاست، خواب راحتی داشته باشند. و این کابوس است که این نیاز را زنده نگاه میدارد که احتمالاً امثال هاشمی را برای روز مبادا در حاشیه سیاست کجدار و مریز نگه دارند تا ببینند آینده چه میشود. و آینده با هیچ حسابی نه برای جمهوری اسلامی و نه برای خانواده رفسنجانی دلچسب بنظر نمیرسد. *

چهارشنبه سوری علیه حکومت ...

از صفحه ۱

بپا کنند، با هم برقصدند و شادی کنند، فریاد مرگ بر حکومت سر دهند، حجاب بر آتش بیافکنند و حکومت عزای اسلامی را به رعشه مرگ بیاندازند.

چهارشنبه سوری، روز شادی ما مردم است. روز ماتم شما حکام اسلامی است. جشن و سرور به ما قدرت میدهد؛ قدرت شما را به چالش میکشد. به ما زندگی میدهد؛ زندگی را به شما تلخ میکند. ما خود را آماده میکنیم که شما را به زیر بکشیم. شما خود را آماده میکنید یک روز دیگر بر عمر منحوس حکومت خود بیافزایید. ما خود را آماده میکنیم به مصاف رنج و فقر و تحقیر و اندوگی که ۳۲ سال تمام بر زندگی ما مردم حاکم کرده اید برویم؛ شما خود را آماده میکنید

شما دادیم. ما همانهایی هستیم که سرداران شما را وادار کردیم اعتراف کنند اگر شش نقطه تهران بهم میبوست، دیگر اثری از وجود نحس جمهوری اسلامی باقی نمیماند. ما همانها هستیم که جرعه انقلابات جاری در منطقه را زدیم، انقلاباتی که دیکتاتور پشت دیکتاتور ساقط میکنند.

۳۲ سال عزا و تاریکی بس است. ۳۲ سال تباهی زندگی نسل جوان بس است. ۳۲ سال دزدی از جیب کارگران و مردم محروم بس است. ۳۲ سال حکومت یک مشت مرتجع، فاسد، دزد، مفتخور، شکنجه گر و قاتل بس است. ما حکومت مرگ و عزا، حکومت خفقان، حکومت فقر و نابرابری و تبعیض، حکومت ضد زن، حکومت اسلامی نمیخواهیم. دوران جمهوری اسلامی به پایان رسیده است چون ما



مرفه و شاد باشد.

زنده باد آزادی و برابری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مارس ۲۰۱۱، ۱۸ اسفند ۱۳۸۹

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

سرنگونی طلبی و ...

از صفحه ۱
حمید تقوایی

واقع منتقد جریان اصلاحات هستم خیلی تندتر هستند. کسانی که در خط مقدم درگیریها حضور دارند و میروند بازداشت شده را از دست مامور در میاورند آنها کسانی اند که اصلا نمیتوانند بپذیرند- نه تنها اینها بلکه آدمهایی که خیلی معتدل تر هستند- نمیتوانند بپذیرند که میرحسین موسوی دستگیر شده مهدی کربوی دستگیر شده ولی شما ندانید اینها کی هستند و چی میخواهند. این خیلی ناراحت کننده است که شما بروید توی خیابان کتک بخورید، باتوم بخورید، گاز اشک آور بزنند، ریکترین الفاظ را به شما و خانواده تان بگویند، اما کس دیگری بیاید یکدفعه شعارهای شما را تحریف نکند. بیاید از طرف شما از جانب حزبش بیانیته بدهد بگوید جنبش سبز اینطوری فکر میکند. بیانه ای که قبل از راهپیمایی ۲۵ بهمن منتشر شد. خب این خیلی مردم را عصبی میکند. اینکه اینطور هزینه بدهی و بیایند از طرفت بیانیته بدهند. بیانه ای که اصلا به آن اعتقاد نداری. اگر یک حزبی بیاید و نظر خودش را بگوید هیچ اشکالی ندارد. بیایند بگویند به ولایت فقیه معتقدند. نظر خودشان را گفته اند. اما اینکه بگویند جنبش سبز اینطور فکر میکند. نخیر. من شخصا معتقدم و خیلی از دوستان من معتقدیم احزاب اصلاح طلب در واقع اقلیت محض هستند در جنبش سبز. من از این جهت دارم میگویم آقای مهاجرانی یکی دو روز گذشته صحبتتهای کرده اند. ما اصلا این صحبتتهای را قبول نداریم. بهیچ عنوان! " (جوانی با نام حسین از ایران در مصاحبه با صدای آمریکا)

این نوع نقد و تعرض به خط اصلاحات، بخصوص در دور جدید بر آمد خیزش انقلابی بعد از ۲۵ بهمن، در میان مردم و جوانان و فعالین جنبش انقلابی روز بروز وسیعتر میشود و در فضای بحثها و همفکرها و رهنمودهای ها در شبکه های چند ده هزار نفره اینترنتی انعکاس بیشتری پیدا میکند.

ای است که این تفاوت اساسی را کاملا مخدوش میکنند. از همان اولین برآمدهای توده ای در خردادماه ۸۸ درد و مساله مردم و انگیزه و نیروی محرکه جنبش انقلابی مردم تقلب در انتخابات و یا دستکاری و مرتکب کاری حکومت و بازگشت به قانون اساسی و دوره خمینی و دعوای درون رژیم ای ازینقبیل نبود. مردم میخواستند از شر کل جمهوری اسلامی رها بشوند و میدانستند "موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است". از همان دوره لقب سبز نام بیمسمائی برای جنبش انقلابی مردم بود. ما هیچگاه این نامگذاری را نپذیرفتیم و همه جا از جنبش توده ای مردم با اسم واقعی آن انقلاب برای سرنگونی حکومت، نام بردیم.

در دوره جاری بر آمد جنبش انقلابی که با الهام از انقلابات مصر و تونس آغاز شده این بی ربطی لقب سبز به جنبش توده ای و انقلابی مردم بیش از پیش آشکار شده است. امروز دیگر بر همه روشن است که راه حل واقعی و عملی خلاصی از دیکتاتوریها انقلاب است. انقلابات واقعی بقدرت توده مردم و نه "انقلابات" مخملی و یا نارنجی و رژیم چنچی و مهندسی شده از بالا. انقلابات توده ای و غافلگیر کننده" و در چند دهه اخیر بیسابقه ای که دیکتاتورها را فراری میدهد و تا در هم کوبیدن نظامهای دیکتاتوری از پا نمی نشیند. دوره انقلابهای عظیم آغاز شده و فاکتور قدرت انقلابی توده مردم در مرکز سیاست و مرکز توجه دولتها قرار گرفته است. گفتمان انقلاب و جنبشهای انقلابی توده مردمی که علیه رژیمهای حاکم بخوابانها ریخته اند - و در موردی مثل لیبی یک جنگ مسلحانه تمام عیار را علیه دار و دسته مزدورحاکم سازمان داه اند- و به هیچ نوع اصلاح و مرمتکاری در رژیمهای دیکتاتوری رضایت نمیدهند به صدر رسانه های جهان رانده شده و همه نیروها و دولتهای ارتجاعی در منطقه و در دنیا را حیرت زده و غافلگیر کرده است. در چنین فضائی موعظه "بازگشت به قانون اساسی با شعار الله و اکبر!" چیزی بیشتر از یک تلاش کاملاً مضحک و ابلهانه نیست. تلاشی تماماً ارتجاعی که

همانطور که مدعیان رهبری جنبش سبز بارها اعلام کرده اند، برای جلوگیری از ساختار شکنی و برای حفظ نظام صورت میگیرد.

به این ترتیب باید گفت که آنچه امروز از جانب بسیاری از فعالین جنبش انقلابی دعوائی بر سر نمایندگی کردن جنبش سبز، و یا از طرف برخی دیگر اختلافی بر سر تاکتیکها و شیوه ها و راهکارها، تلقی و عنوان میشود در واقع يك اختلاف عمیق سیاسی برسر حفظ و یا بزیر کشیدن کل نظام جمهوری اسلامی است. موسوی و کربوی، مهاجرانی ها و سروشها و شیرین عبادیها و کل آن شخصیتها و نیروهای سیاسی که روزی خود را جنبش دوخرداد و امروز جنبش سبز مینامند، متعلق به جنبش حفظ رژیم اند و توده مردمی که به خیابانها میریزند نیروی انقلاب و متعلق به جنبش سرنگونی حکومت بقدرت انقلاب هستند. تفاوت اینجاست. اساس اختلاف نظرها و بحثها و انتقادهای که در میان فعالین در بدنه "جنبش سبز" درگرفته نهایتاً در اختلاف میان جنبش بزیر کشیدن رژیم و جنبش حفظ رژیم ریشه دارد. این از همان جنس اختلاف میان "غنوشی" ها با مردم انقلابی تونس و یا "ژنرال نتظاوی" ها با مردم مصر است. این اختلاف در ایران قبل از اینکه "سیدعلی" به سرنوشت مبارک و بن علی دچار شود حاد شده است و این هم از یکسوشانه بلوغ و رشد جنبش انقلابی در ایران است و هم از سوی دیگر میتواند نقطه ضعف و پاشنه آشیل آن باشد. نقطه قوت است به این دلیل که از هم امروز اجازه میدهد انقلاب و جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت تمام و کمال راه خود را از اصلاح طلبان جدا کند و نقطه ضعف است به این خاطر که توهم حفظ وحدت "جنبش سبز" و یا بهانه استفاده از اختلافات درون حکومتی میتواند راه شکست انقلاب را هموار کند. امروز دیگر موسوی حتی بهانه هم نیست. امروز نقطه شروع و منبع امید و الهام اعتراضات توده ای در ایران نه تقلب در انتخابات بلکه انقلابات مصر و تونس و لیبی است و قدرت این انقلابها است که قویتر از هر استدلال و منطقی اعلام میکند راه رهائی

مردم از "اصلاح طلبان" حکومتی و غیر حکومتی کاملاً جد است. باید با تمام قوا پرچم انقلاب و جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم را بلند کرد و دغدغه و دل نگرانی بر سر نام و معنی جنبش سبز را به همان اصحاب مرمت رژیم و کوشندگان احیای دوره خمینی سپرد.

جنبش سرنگونی طلبانه و انقلابی مردم اهداف و شعارها و سیاستهای روشن و شفاف خود را دارد. باید هر چه وسیع تر و قدرتمند تر این اهدا ف و شعارها را بشناسد و بشناساند و بمیدان بیاید. مردم میخواهند مقامات و سران رژیم نه تنها بزیر کشیده بشوند بلکه بجرم سی سال جنایت علیه مردم به محاکمه کشیده شوند، مردم میخواهند به سلطه مذهب بر دولت و قوانین و شئونات اجتماعی و زندگی خصوص خود پایان بدهند، مردم خواهان لغو اعدام و شکنجه و قصاص هستند، میخواهند زن و مرد کاملاً با هم برابر باشند و حجاب اجباری و آپارتاید جنسی لغو شود، میخواهند حق تشکل و تحزب و اعتراض و اعتصاب و آزادی عقیده و بیان داشته باشند، میخواهند این فاصله عمیق بین ثروتهای افسانه ای يك مشت مفتخور و فقر و بیکاری و محرومیتی که در جامعه بیداد میکند از بین برود و مردم از آزادی و برابری و رفاه برخوردار شوند. تحقق این خواستها بدون سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن نیست. بدست گرفتن این پرچم است که فعالین جنبش انقلابی در ایران را تعریف میکند، به آنها هویت میدهد و راهشان را از حافظین نظام جدا میکند. به هرکه صادقانه نگران وحدت و قدرت جنبش انقلابی است باید یاد آوری کرد که اکثریت عظیم مردم ایران، جوانان و زنان و کارگران و همه مردم شریفی که از فقر و اختناق و بیحقوقی به تنگ آمده اند از جمهوری اسلامی متنفرند و عزم جزم کرده اند که آنرا بزیر بکشند. و این منشأ قدرت و وحدت و مقانیت انقلاب و فعالین جنبش انقلابی در برابر تمام تلاشهای است که تحت نام سبز و یا هر نام دیگری برای حفظ نظام جمهوری اسلامی صورت میگیرد.*

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته



بهروز مهر آبادی

اپوزیسیون وقیح حافظ نظام

منشور "جنبش سبز" که نسخه نهائی آن چند روز پیش منتشر شد نهایت آرزوهای اصلاح طلبان جمهوری اسلامی در صیانت نظام و حمایت از قانون اساسی را بیان کرد اما ادای توضیحات بیشتر به عهده عطاالله مهاجرانی و فرخ نگهدار دو تن از چهره های شناخته شده اصلاح طلب حکومت اسلامی گذاشته شد تا روز جمعه ۱۳ اسفند در کنفرانسی در لندن به "بررسی ابعاد جنبش سبز" بپردازند. مهاجرانی در صحبت های خود به مقایسه شرایط ایران و مصر پرداخت و بروز انقلاب در ایران را نفی کرد. به نظر ایشان حکومت ولایت فقیه بر خلاف حکومت حسنی مبارک وابسته به قدرت خارجی نیست. ایشان به حسابهای بانکی خانواده حسنی مبارک اشاره کرد و اعلام نمود که "در زندگی اقتصادی خامنه ای و خانواده اش يك نکته خاکستری و تاریک هم دیده نمی شود". فرخ نگهدار هم ضمن ابراز دلسوزی بحال هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که "حکومت بخش بزرگی از آرا و حمایت مردم را با خود دارد، و ظرفیت قانون اساسی تا آن حد است که دولتها می توانند مورد اعتماد مردم باشند". فرخ نگهدار هم با شکینائی و امید از طولانی بودن راه تفاهم متقابل بین خودشان و حکومت خبر داد. برای کسانی که کمی با سابقه این دو فعال سیاسی آشنا هستند، سخنان آنها در این کنفرانس دور از انتظار نبود. مهاجرانی نقش های مختلف در ارگانهای حکومتی داشته است. برای شناخت او کافی است از تأیید حکم اعدام سلمان رشدی توسط او و پیشنهادش درباره اجرای مخفیانه احکام سنگسار در دوره ای که وزیر

ارشاد و اطلاعات جمهوری اسلامی بود یاد کرد. مجیزگوئی های او از خامنه ای برای مدت ها سوژه مناسبی برای مضحکه او بوده است. فرخ نگهدار هم همواره چه شخصا و چه بعنوان یکی از رهبران سازمان اکثریت از حامیان پر و پا قرص جمهوری اسلامی و از میدان ولایت فقیه بوده و در مورد ایشان کافی است اشاره کنیم که در همین کنفرانس از این نظریه طرفداری کرد که وزارت اطلاعات بهتر است زیر نظارت ولی فقیه نباشد تا مبادا به قداست ایشان لطمه بخورد بلکه بهتر است در اختیار "دولت انتخابی" باشد تا "فضای تلخی که بخاطر حفظ امنیت بوجود می آورد به حساب خود مردم نوشته شود!" لازم نیست درباره ابعاد جنایات رژیم صحبت کرد و غارتگری های رژیم و به فلاکت کشاندن دهها میلیون مردم را بیان کرد تا بتوان میزان وقاحت و چاپلوسی بیشرمانه مهاجرانی و نگهدار را درک کرد. کافی است یادآوری شود که شخص خامنه ای صاحب اختیار نهادهای مالی عظیم نظیر آستان قدس، اوقاف، امامزاده ها، بنیاد جانبازان و... است و هر سال رسماً میلیارد ها دلار از بودجه دولت بدون هیچ حساب و کتابی در اختیار بیت رهبری قرار دارد.

در شرایطی که مبارزه مردم بر علیه رژیم هر روز حادث می شود و نفرت و اترجار عمومی از سران رژیم بخصوص خامنه ای هر لحظه عمیقتر می گردد، برگزاری این کنفرانس و دفاع از خامنه ای و جمهوری اسلامی، فقط يك معنی می تواند داشته باشد. این پیامی است که اصلاح طلبان رژیم به باند حاکم می دهند تا کرنش و سرسپردگی خود را به رژیم و ولایت فقیه اعلام کرده باشند. با نزدیک شدن فرجام نهائی جمهوری اسلامی باید انتخاب کنند، وحشت از پیروزی جنبش انقلابی سرنگونی طلبی بطور طبیعی آنها را در کنار رژیم قرار می دهد. خود می دانند که زندگی و وجود سیاسی آنها بسته به وجود جمهوری اسلامی است و این امید را دارند که رژیم هم به خدمات آنها نیاز

پیدا خواهد کرد. اصلاح طلبان برای اعلام عمومی پیام خود چهره ها و احتمال داوطلبانی وقیحتر و کثیف تر از این دو نفر نیز پیدا نکردند و واکنش های تند بعضی از فعالین "جنبش سبز" در مخالفت با سخنرانان جلسه لندن و همچنین نصایح فرخ نگهدار به یاران خود که "وقت خط کشی و متر کردن و تقسیم قدرت در درون جنبش نیست"، نشان از تشمت و پراکندگی شدید و ریزش صفوفشان دارد. پذیرفته نشدن از طرف باند حاکم و همچنین حضور مردم در خیابانها و ادامه جنبش انقلابی ممکن است به بخش هایی از اپوزیسیون حافظ نظام امکان و بهانه حیات و ابراز وجود بدهد، اما نقش آن ها روز بروز کم رنگتر میشود. در سایه خیزش انقلابی مردم، جنازه جنبش اصلاح طلبی از قبر بیرون کشیده شد تا با امکانات وسیع دولتی که در اختیار داشت و با حمایت پنهان و آشکار بسیاری از دولتها، خود را مطرح سازد، اما رادیکالیسم و فضای سرنگونی طلبی گسترده در جامعه هرروز بن بست اینها را بیشتر آشکار میکند.*

یمن: غولی که آزاد شده

علی عبدالله صالح دیکتاتور یمن که ۳۲ سال بعنوان رئیس جمهور حکومت را در دست داشته در پی چندین هفته اعتراضات گسترده مردم، قول برقراری نظام پارلمانی و تغییر در قانون اساسی را داد. او بار دیگر قول داد که سال دیگر انتخابات رئیس جمهوری برگزار خواهد شد و خودش در این انتخابات شرکت نخواهد کرد. ولی برای مردمی که از فقر، فساد مالی گسترده و سرکوب و خفقان به تنگ آمده اند، این قول ها ارزشی ندارد. نزدیک به ۵۰ درصد مردم یمن زیر خط فقر زندگی می کنند و در حکومت عبدالله صالح زندان و شکنجه پاسخ هر گونه اعتراض به این وضعیت بوده است. بخش وسیعی از تظاهر کنندگان بر علیه رژیم یمن را جوانان تشکیل می دهند. تاکنون تعدادی از نمایندگان پارلمان استعفا کرده و بخشی از نیروهای ارتش نیز دست به اعتراض زده اند و تعدادی از قضات دادگستری حمایت خود را از تظاهر

کنندگان اعلام کرده اند. روز ۲۴ بهمن تظاهرات وسیعی برگزار شد که در تاریخ یمن بی سابقه بوده است. هزاران نفر از مردم در شهر صنعا به طرف کاخ رئیس جمهوری تظاهرات کرده و خواهان برکناری او شدند. این تظاهرات با حمله پلیس مواجه شد و دهها نفر زخمی شده و تعداد زیادی از مردم دستگیر شدند. در موارد دیگر نیز تظاهرات مردم در با حمله نیروهای ضد شورش و ارتش و چماقداران مواجه شده و در هفته های اخیر دهها نفر در توسط نیروهای سرکوب رژیم کشته شده و تعداد زیادی زخمی و زندانی شده اند. عقب نشینی علی عبدالله صالح در شرایطی انجام می گیرد که خشم مردم قابل جلوگیری نیست و اعتراضات مردم هر روز بیشتر و گسترده تر می شود. مردم یمن خواستار يك تغییر بنیادی در شرایط اجتماعی و سیاسی یمن هستند و نمی توانند ادامه وضعیت موجود را تحمل کنند. در غیاب يك جنبش چپ و کارگری و در نبود يك حزب سیاسی که بتواند خواست های برابری طلبانه و آزادیخواهانه مردم را انعکاس دهد و جامعه عمل پوشاند، نمی توان چشم انداز مبارزات مردم یمن را به روشنی ترسیم کرد. اما شکسته شدن سد ارتجاع کهنه و سنتی حاکم و فضای انقلابی در منطقه می توان امیدوار بود که يك جنبش مدرن و مترقی از دل اعتراضات مردم سر بیرون کند. آنچه که مسلم است این غول آزاد شده و اکنون در خیابانهای صنعا و سایر شهر های یمن در مقابل حکومت ایستاده است، دیگر نمی توان آن را به شیشه برگرداند.

باز هم قاچاق اسلحه توسط رژیم

يك محموله موشك که از ایران

برای نیروهای طالبان فرستاده شده بود در افغانستان کشف شد. موشک های ۱۲۲ میلیمتری ساخت جمهوری اسلامی که نزدیک به ۲۰ کیلومتر برد دارند توسط سه کامیون از ایران ارسال شده بود. در چند ماه گذشته گزارشات متعددی از ارسال اسلحه و مهمات توسط رژیم به نیروهای طالبان انتشار یافته بود. از جمله این مهمات از بمب های کنار جاده ای می توان نام برد تاکنون جان تعداد زیادی از غیرنظامیان را گرفته و بسیاری را مجروح و ناقص العضو کرده. این افتضاح دیگری برای جمهوری اسلامی است. پرونده قاچاق اسلحه به کشورهای آفریقایی هنوز باز است و از جمهوری اسلامی یکی از بزرگترین دولتهای مسلح کننده گروههای تروریستی در کشورهای مختلف بویژه در لبنان، عراق، پاکستان و افغانستان نام برده می شود. وزارت امور خارجه رژیم مثل همیشه اتهام ارسال اسلحه را رد کرده است ولی سیاست جمهوری اسلامی در تقویت تروریسم و تشدید بحران ها در کشورهای مختلف و استفاده از این اهرم برای حفظ موقعیت خود در منازعات خود با سایر دولت ها دیگر بر هیچ کس پنهان نیست. روشن شدن قاچاق اسلحه برای طالبان و جریانات تروریستی در آفریقا که این هفته و هفته پیش جلوی صحنه آمده اما موقعیت بین المللی جمهوری اسلامی را بسیار وخیم تر کرده است و این حکومت را با فشارهای بین المللی گسترده تری مواجه میسازد. جنایات جمهوری اسلامی فقط به ایران و در مورد مردم ایران محدود نمی شود، این رژیم يك خطر بزرگ برای مردم جهان بشمار می آید. بدون تردید دنیا بدون وجود خطر جمهوری اسلامی امن تر و قابل تحملتر است.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

تظاهرات مردم بیروت علیه نظام فرقه ای و مذهبی



محمد شکوهی

توافق فعلی رسیدند. یعنی اینکه سیستمی مذهبی - قومی را رسماً پایه گذاری کردند. مبنای اصلی این توافقات بازگشت به معاهدات قدیمی تر سالهای ۱۹۴۳ بعد از خروج فرانسه از لبنان و به عنوان تنها راه حفظ وحدت لبنان به بهانه و توجیه "ویژه گی های قومی - مذهبی" این کشور بود. شکل دادن مجدد به سیستم "دولت قومی و مذهبی" در دستور دار و دسته های مذهبی و قومی با توافق غرب و کشورهای درگیر در بحران، قرار گرفت. بر اساس این توافقات از آنجا که لبنان کشوری قومی و دارای "مذاهب متعدد" می باشد، باید یک سیستم حکومت و دولت "قومی و مذهبی" در آن تشکیل شود. بر مبنای این توافق ارتجاعی، رئیس جمهور از فرقه مارونی و نخست وزیر باید از فرقه سنی مذهب برگزیده شود. پس از چند سال جنگ داخلی، کشتار هزاران نفر از مردم و ویرانه ساختن شهرها، این توافق یک باردیگر در دستور قرار گرفت و در سال ۱۹۹۰ "قرارداد طائف" امضا شد که بر اساس آن گروه تروریستی حزب الله مورد حمایت ایران نیز به حکومت راه یافت! و توافق شد که رئیس جمهور از میان مسیحیان مارونی، نخست وزیر از میان سنیان و رئیس مجلس نیز از میان شیعه ها انتخاب شود. و به این ترتیب بود که برای اولین بار گروه تروریستی حزب الله لبنان که دست ساز جمهوری اسلامی بود، وارد صحنه سیاست در لبنان گردید. اما جدال و کشمکش باندهای مذهبی و قومی شریک در قدرت برای داشتن سهم بیشتر از قدرت دولتی همچنان ادامه یافت و نتیجه آن سقوط پایایی دولتها و ادامه بحران بود. در این وضعیت خطر آغاز دوباره جنگ داخلی جدی تر شد. با سر کار آمدن حریری در سال ۱۹۹۲ که ظاهراً چهره ای "وجیه المله" بود و با حمایت آمریکا و کشورهای درگیر در بحران لبنان، آرامش نسبی برقرار گردید. تا اینکه در سال ۲۰۰۵ حریری ترور شد و دوباره بحران اوج گرفت. گروه تروریست حزب الله با اعلام خروج از دولت تهدید کرد که

حاضر به جنگ برای بدست آوردن سهم بیشتری در سیستم حکومتی می باشد. اکنون بعد از گذشته سالها و در متن یک چنین بحرانی جنبش مدافع سکولاریسم و مخالف فرقه گرایی و مذهب ابراز وجود کرده است. این را باید به فال نیک گرفت. در شرایطی که انقلابات مصر و تونس پیروز شده و جنبش های انقلابی مردم در چند کشور دیگر شمال آفریقا و خاورمیانه ادامه دارد، بدون شك تظاهرات مردم بیروت را می توان متأثر از این شرایط انقلابی دانست. در ابراز وجود سیاسی این جنبش بر علیه دخالت مذهب و قومیت در سیستم حکومت، جوانه ها و امیدهای نسل جوان برای ساختن یک دنیای دیگر را می تون دید. شعارهای محوری این تظاهرات یعنی عدم دخالت مذهب و قومیت در سیاست و پایان دادن به تقسیم بندی های مذهبی و قومی یک تحول بزرگ، سکولار و مدرن می باشد که پرچم آن در دست نسل جوان لبنان است. قطع کردن دست مذهب و ملیت از سیاست و تاکید بر سکولاریسم و برابری طلبی یک حرکت پیشرو می باشد که باید از آن دفاع کرد.*

۳۴۰ میلیارد تومان "هدایای نقدی ویژه احمدی نژاد"

بذل و بخششهای میلیاردی به دزدان حکومتی به جایی رسیده است که هر روز گوشه ای از آن از اینجا و آنجا بیرون میزند. بعد از هفته ها کشمکش باندهای حکومتی پیرامون نحوه سهمیه بندی و تقسیم مبالغ بودجه سال آینده رژیم، بالاخره بودجه در مجلس رژیم مورد توافق همه باندهای حکومتی قرار گرفت و تصویب شد. یک هفته بعد از تصویب بودجه خبرگزاربهای جمهوری اسلامی اعلام کردند سهم دولت احمدی نژاد در لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور رقمی در حدود ۱۷۶ هزار و ۹۹۳ میلیارد تومان می باشد. اوایل هفته گذشته دولت اعلام کرد که از محل بودجه دولت مبلغی بالغ بر ۳۴۰ میلیارد تومان به عنوان "هدایای نقدی ویژه برای موسسه ها و نهادهای کشور" به مراکز و موسسه های "فرهنگی"

اختصاص داده شده است. در همین رابطه لیست اسامی موسسات و باندها و میزان هدایای دریافتی شان را هم اعلام کردند. علاوه بر موسسات به اشخاص حقیقی و حقوقی نیز هدایای ویژه پرداخته خواهد شد. در واکنش به این بذل و بخشش های دولتی بخش هایی از دار و دسته های مخالف باند احمدی نژاد - خامنه ای "گلایه" کرده اند، که دولت در این اقدام خود "گزینشی"، عمل کرده و خیلی از موسسات را نادیده گرفته است. در همین رابطه در کمیسیون ویژه ای در مجلس رژیم که ظاهراً در حال "بررسی بودجه" می باشد، ساعتها بحث و جدل پیرامون نحوه و چگونگی "توزیع هدایای ویژه" دولت در گرفته و دست آخر قرار شده علاوه بر مبلغ ۳۴۰ میلیارد تومانی که اعلام شده، مبالغ دیگری نیز به بخش های ناراضی باند مقابل به عنوان هدایا پرداخته شده و در لیست ردیف بندی بودجه دولت تحت عنوان "هزینه های ویژه" درج گردد. کشمکش برای تصاحب هر چه بیشتر از بودجه سال آینده به عنوان سهم باندهای حکومتی کماکان ادامه دارد. اینکه حکومت اسلامی اساساً حکومت دزدان و چپاولگران است شکی در آن نیست. اما اینکه بخور و

میز اطلاعاتی در مراسم سازمان زنان آلمانی بنام "ویدل و اسر" به مناسبت روز جهانی زن در شهر برلین

میز اطلاعاتی در مراسم سازمان زنان آلمانی بنام "ویدل و اسر" به مناسبت روز جهانی زن در شهر برلین: به مناسبت گرامیداشت صدمین سالگرد روز زن، سازمان ویدل و اسر مراسمی را در روز هشتم مارس ۲۰۱۱ برپا کرد. بیش از ۳۰۰ نفر در این مراسم شرکت کردند. میز اطلاعاتی سازمان دفاع از حقوق زن - علیه تبعیض، توسط فرزانه درخشان در این مراسم توجه شمار کثیری از شرکت کنندگان را به خود جلب کرد و مورد استقبال قرار گرفت.



اجرای طرح یارانه ها در ...

از صفحه ۱

اساسی زندگی مردم و بویژه از انور انزلی (برق و گاز و آب) که قرار بود با واریز شدن دهها میلیارد دلار به خزانه دولت را از ورشکستگی کامل اقتصاد بحران زده نجات داده و راهی برای پایان دادن به بدحکامترین دولت سه دهه اخیر (بدهی دولت به بیش از دویست میلیارد دلار رسیده است) نشان دهد، عملاً می‌شود گفت باعث شده که دولت بیش از پیش ضعیف تر و ضعیف تر در برابر جنبش رو برشد سرگونی طلبی مردم قرار گیرد. در رابطه با وضعیت اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی دیگر حتی احمق ترین کارشناسان اقتصادی خودشان نیز امیدی به نجات از وضعیت پیش آمده متصور نیستند ولی بروی مبارکشان نمی‌آورند. در این شکست و فضاقت اقتصادی و سیاسی، نقش مردم، کارگران و زنان جامعه ایران که همچنان به مبارزاتشان ادامه می‌دهند، بیش از پیش آشکار و محوری و تعیین کننده است. مردم ایران مدت‌هاست که حکم به رفتن این رژیم داده اند.

از همان روز اول اعلام شروع اجرای طرح یارانه ها (راستش باید گفت از همان ساعات اولیه شب اعلام شروع توسط احمدی نژاد) مقاومت مردم شروع گردید. اولین بخش جامعه، رانندگان تاکسی و حمل و نقل برون شهری و درون شهری بودند که با هجوم به پمپ بنزین ها برای تامین بنزین در ساعات باقیمانده از روز قبل از شروع، سوت مبارزه را زدند. این

نکته برای دولت قابل پیش بینی بود و برای مقابله با آن، نیروهای بسیج و لباس شخصی و نیروی انتظامی اش را آماده کرده و بخوابان گسیل کرده بود. از صبح اولین روز، تجمع رانندگان حمل و نقل درون شهری در برابر فرمانداری های شهر های بزرگ و کوچک و رانندگان کامیونها در بنادر با امتناع از بار زدن در اعتراض به گران شدن بنزین و گازوئیل، نوید روز های سختی به رژیم میداد. از همان روز اول و دوم اجرای طرح عقب نشینی دولت در برابر مردم شروع گردید و با قول شفاهی اکثر فرمانداران شهر ها مبنی بر قبول افزایش قیمتها در برابر فشار رانندگان در شهر ها این عقب نشینی را میشد دید. در حالیکه ماهها بود که آقایان تبلیغ میکردند که هیچگونه افزایشی در قیمتها نخواهد بود. به عنوان نمونه یکی از رانندگان تاکسی در شهر تبریز در گفتگو با شهروندی معترض میگوید که فرماندار شهر در اولین تجمع رانندگان قبول کرد که راهی جز گران کردن کرایه تاکسی نیست. و نیز قرار شده است که تمهیداتی را برای تاکسی ها در نظر بگیرند (دادن بنزین بیشتر با قیمت سوپسیدی). رانندگان اصرار دارند که از نظر در آمد به شرایط قبل از شروع این طرح باز گردند در حالیکه که دیگر این امر امکانپذیر نخواهد بود. به این شکل، شروع طرح ریاضت اقتصادی رژیم، با اعتراض مردم مصادف بود. مهم ترین و اصلی ترین

اعتراض و مقاومت از طرف بخشهای فقیر جامعه به شکل نپرداختن قبوض آب و برق و گاز آغاز شد. یعنی درست در بخشی از طرح که قرار بود برای دولت بیشترین در آمد را داشته باشد. بخشهایی از مردم تصمیم گرفتند که پس از دریافت و خرج کردن پول های داده شده از طرف دولت، قبوض آب و برق و گاز را پرداخت نکنند. دولت از ترس اعتراض جمعی شهر وندان به گران شدن هزینه های آب و برق و گاز شروع به توجیه این سیاست نموده و برنامه هائی تلویزیونی ای را در این رابطه تهیه و از تلویزیون پخش کرد. در این برنامه ها مسئولین دولتی با توجیه این نکته که مردم نترسید اجرای این طرح فشار اقتصادی زیادی در زمینه هزینه های آب و برق و گاز به مردم وارد نخواهد شد و غیره پرداختند. در تعدادی از شهر ها پیشروان سیاسی با پخش اعلامیه از مردم خواستند که دست به مقاومت جمعی زده و با عدم پرداخت قبوض بصورت دسته جمعی در قالب محلات و کوچه ها و خیابانی دولت را وادار کنند که دست از ادامه اجرای این سیاست بردارد. و اما دولت در برابر، با ترس و لرز تصمیم به عقب نشینی بظاهر ابرومندانه (از نظر خودش) گرفته و به اشکال مختلف تلاش نمود که از بوجود آمدن شرایطی که میتواند به اعتراض اجتماعی توده های زحمتکش دامن بزند، جلوگیری کند. و درست در همین رابطه ابتدا با سیاست عدم صدور قبض و در ادامه با عقب نشینی بشکل عدم محاسبه

قید وثیقه آزاد گردید. وی از این ۸ ماه بخش عمده ای را در سلول انفرادی محبوس بود. مجدداً اسانلو در ۲۸ آبان ۸۵ به همراه ابراهیم مددی توسط سربازان امام زمان در خیابان ربوده شد و پس از شکنجه و ضرب و شتم پس از يك ماه از زندان آزاد گردید. وی در تابستان سال ۸۶ در اجلاس سالیانه اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل در لندن شرکت نمود دو هفته پس از بازگشت از اجلاس سالیانه ای تی اف مجدداً در خیابان توسط عوامل وزارت اطلاعات ربوده شد و پس از شکنجه و ضرب و شتم تحویل زندان اوین گردید. پس از مدتی وی را در دادگاه اسلامی محاکمه و به جرم اقدام علیه امنیت کشور به چهار سال زندان و همچنین به جرم تبلیغ علیه نظام اسلامی به يك سال زندان محکوم کردند.

قبوض با قیمت های جدید (و در برخی موارد حتی با قیمت های کمتر از قبل) در اکثر شهر ها (و عمدتاً برای محلات فقیر نشین) به استقبال این دوره از مبارزات مردم رفت. یعنی عملاً و بطور غیر رسمی شروع به سوسید کردن کالاهای اساسی کرد. و این نکته جالبی است که تمامی این گذشتها و نادیده گرفتن سربچی مردم از پرداخت قبضها، مقارن بود با شروع انقلابات در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا. عکس العمل های مردم در این رابطه جالب توجه بود برخی از مردم میگفتند که ما مردم ایران باید از مردم انقلابی کشورهای عربی، تونس و مصر و سایر کشورها باید متشکر باشیم. چرا که باعث شدند که رژیم ایران در اجرای سیاست اقتصاد یارانه ای اش، با احتیاط عمل کند و در بر خی موارد از اعمال فشار اقتصادی بیشتر به جامعه خود داری کرد. عکس العمل های مردم در برابر سیاست اعمال فشار اقتصادی به جامعه بلافاصله اشکال اجتماعی وسیعی پیدا کرد. اواسط بهمن ماه بود که مردم نجف اباد اصفهان دست به مقاومت جمعی زده و با عدم پرداخت قبضهای گاز (بنا به اخباری که برخی شهروندان داده اند بیش از ۵۰٪ مردم از پرداخت قبضها سر باز زده اند) دست به مقابله با سیاست های رژیم زدند. در ادامه این نوع مبارزات ما شاهد عدم پرداخت قبوض از طرف شهروندان خرم اباد، دورود، ازنا، الیگودرز، شازند و اراک هستیم. و با خبر دیگری حاکی از اینست که در

در سالهای اخیر منصور اسانلو و خانواده اش تحت غیر انسانی ترین شکنجه ها و فشارها قرار داشته اند. از ادامه معالجات پزشکی وی جلوگیری میکنند، وی را از اوین به زندان رجائی شهر به بند زندانبان عادی منتقل کرده اند، او را در زندان توسط ارازل و اوپاش زندانبان مرتباً مورد توهین شکنجه قرار میدهند، همسر باردار پسرش را ربوده و مورد ضرب و شتم قرار داده اند به نحوی که این زن کودکش را سقط کرده است. منصور اسانلو در تابستان سال ۸۹ در دادگاهی بدون وکیل و چند دقیقه ای مجدداً محکوم به یکسال زندان گردید. اما شقاوت حکومت اسلامی وزندانان دستگاه قضای آن به همین جا ختم نشده است. او را که دارای بیماریهای مختلف جسمی است و بینائی وی شدیداً در خطر است را از معالجات متعارف پزشکی برای زندانبان نیز محروم کرده اند. وی در

ادارات برق استانها برخی از مردم که برای گرفتن قبضهای جدید بجای قبضهای گم شده مراجعه کرده اند، کارمندان گفته اند که حق صدور قبض نداریم و دولت منع کرده است و در جواب این سوال مشترکین که آیا برق ما را قطع نمیکنید، جواب داده اند که نخیر قطع نمیشود مطمئن باشید! اصلاً برید راحت برق مصرف کنید خبری از قطع برق و اینها نیست! رژیم با چنین مقاومت و مبارزه ای از طرف مردم مواجه است و به این نکته پی برده است که اگر مبارزه مردم حول موضوع یارانه ها تند تر شود، به منزله باز شدن دهانه کوه آتش فشانی است که کل دودمان رژیم جمهوری اسلامی را بباد خواهد داد. و به همین دلیل است که دولت در نحوه اجرا کردن انقباض اقتصادی خودش با بن بست مواجه شده و حرکت های بعدی اش نشان از عقب نشینی از اعمال سیاست هایش دارد ولی با کمی دقت میشود پی برد که می‌خواهد عقب نشینی اش با بی آبرویی بزرگی مواجه نشده و بزرگ جلوه گر نشود.

کلا میشود درمادگی جمهوری اسلامی در مورد طرح یارانه هایش را دید. مردم حاضر به قبول افزایش قیمتها نیستند. فضا خشم آلود و ملتهب است. و دولت هم سعی میکند یواشکی کوتاه بیاورد و جدیتی برای اجرای طرحش به خرج ندهد. چون ممکن است مردم منفجر شوند. این تصویری است که من از وضعیت کنونی دارم.

۲۲ بهمن سال ۸۹ در نتیجه حمله زندانبانان و ارازل حزب الله مستقر در زندان رجائی شهریه سلولش و ضرب و شتم وی وهم سلولی هایش، دچار حمله قلبی گردید و به بیمارستان منتقل گردید. جان منصور اسانلو در خطر است. حکومت اسلامی میخواهد با خاموش کردن وی صدای اعتراض کارگران به تنگ آمده را خاموش کند. آنها میخواهند با خاموش کردن صدای منصور اسانلو کارگران را از داشتن فعالین خود محروم کنند. منصور اسانلو از صداهای معترض شناخته شده طبقه کارگر ایران است. صدای منصور اسانلو باش! نگذار صدایش را خاموش کنند! کمیته مبارزه برای آزادی زندانبان سیاسی در ایران ۶ مارس ۲۰۱۱ برابر با ۱۵ اسفند ۱۳۸۹



صدای منصور اسانلو باش! نگذار صدایش را خاموش کنند!

امروز کمتر کسی است که در جریان اخبار و اعتراضات کارگری ایران باشد و نام منصور اسانلو را نشنیده باشد. منصور از جمله کارگران زندانی است که تحت شدید ترین فشارها قرار دارد. منصور اسانلو به همراه جمعی دیگر از فعالین شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در سال ۱۳۸۴ سنلیکای کارگران شرکت واحد را مجدداً راه اندازی و احیا کرد. راه اندازی مجدد تشکل کارگری موثری مانند سنلیکای واحد از همان ابتدا با واکنشهای عصبی شوراها و اسلامی و عوامل حراست و خانه کارگر مواجه شد. در ۱۹ اردیبهشت سال ۸۴ پس از اینکه کارگران معترض با شعارها و خواسته های رادیکال مانع از سخنرانی رفسنجانی در مراسم

دولتی روز کارگر شدند، ارازل و اوپاش حراست شرکت واحد، شوراها و اسلامی و خانه کارگر با هدایت کسانی همچون عیوضی، مهملوی خواه، چگینی، فرجی و بهرامی و سایر اوپاش اسلامی به دفتر سنلیکا حمله و علاوه بر تخریب دفتر به ضرب و شتم فعالین حاضر در دفتر از جمله اسانلو پرداختند. در این حمله وحشیانه زبان منصور اسانلو را با تیغ بریدند تا صدای او را خاموش کنند.

اسانلو چند روز پس از اعتصاب گسترده کارگران شرکت واحد در ۴ دی ماه سال ۸۴ دستگیر و به مدت ۸ ماه در زندان به سر برد و در مرداد ۸۵ به

جایگاه ۸ مارس امسال

از صفحه ۱
شهلا دانشفر

وصل کرد. در هشت مارس امسال در تهران و مشهد و شیراز و رشت مردم به خیابان آمدند و مرگ بر دیکتاتور گفتند و روز جهانی زن را گرامی داشتند. و این اتفاق مهم بود چون زن ستیزی هویت این رژیم است. این اتفاق مهم بود چون اساس این رژیم بر آپارتاید جنسی و تبعیض و ستمگری علیه زنان بنا گذاشته شده است.

در هشت مارس امسال جمهوری اسلامی نیروی سرکوب بسیاری در خیابانهای تهران و در شهرهای مختلف به خیابان آورد. قدم به قدم مامور گارد ویژه و بسیجی خود را با سلاح کامل مقابل مردم گذاشت، به طرف مردم گاز اشک آور پرتاب کرده و شلیک هوایی کرد. در یک فضای حکومت نظامی تمام عیار توانستند ابعاد و دامنه هشت مارس را محدود کنند. اما با وجود این مردم بسیاری به خیابان آمدند و در مناطقی از تهران چون ولی عصر، هفت تیر، وصال، امیرآباد جمعیتی زیادی از مردم که حضور زنان در میانشان چشمگیر بود، به خیابان

که مهر خود را بر این روز زد. شیرین عبادی را هم دیدیم که با پیام هشت مارس زنان و جامعه را به قانونی اساسی جمهوری اسلامی فراخواند، ولی حضور مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور، پاسخ او را هم داد.

یک نکته مهم دیگر هشت مارس امسال، ابعاد اجتماعی گفتمان بر سر این روز بود. در هشت مارس امسال همه جا صحبت از روز جهانی زن و به خیابان آمدن، بود. قبل از هشت مارس جمع هایی از زنان و مردان آزادیخواه طی مراسم های کوچکی این روز را گرامی داشتند و عهد و قرارهایشان را برای روز هشت مارس در خیابان گذاشتند. از جمله گزارشاتی از این مراسم ها از کامیاران و مهاباد و تهران و کرج و غیره انتشار یافت. در تهران و کرج مردم از شب قبل با مرگ بر دیکتاتور به استقبال هفده اسفند، هشت مارس، روز جهانی زن رفتند و از قبل در شهرهای مختلف تراکتها و بیانیتهای دفاع از حقوق زن و با خواست سرنگونی این رژیم ضد زن پخش شد. بدین ترتیب امسال بیش از پیش گفتمان بر سر هشت مارس، این روز آزادیخواهی و برابری طلبی و خواستهای فوری جنبش آزادی زن در

مراسم روز جهانی زن در سنندج

روز جهانی زن "حقوق برابر" کار برابر، "رهائی زن، رهائی جامعه"، زندانی سیاسی آزاد باید گردد" کارگران جهان متحد شوید و لغو مجازات اعدام.

حزب کمونیست کارگری به شرکت کنندگان و سازمان دهندگان این مراسم درود میفرستد و همه مردم آزادیخواه در سنندج و سایر شهرها را به دفاع پرشور از حقوق برابر زن و مرد و سایر مطالبات قطعنامه هشت مارس سنندج فرامیخواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اسفند ۱۳۸۹، ۱۰ مارس ۲۰۱۱

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، امروز ۱۹ اسفند مراسمی در یکی از شلوغ ترین نقاط سنندج یعنی در بازار اصلی این شهر برگزار شد و بیش از ۱۵۰ نفر از زنان و مردان آزادیخواه این در آن شرکت کردند.

در این مراسم که توسط کمیته ۸ مارس برگزار شد، یکی از حاضرین شرح کوتاهی از شکل گیری ۸ مارس روز جهان زن به حاضرین ارائه داد و سپس قطعنامه ای توسط یکی دیگر از شرکت کنندگان قرائت شد که در آن بر حقوق برابر زن و مرد تاکید شده بود. شرکت کنندگان پلاکاردهائی را حمل می کردند که بر آنها نوشته شده بود: مبارک باد

همه جا به جریان افتاد.

بدین ترتیب هشت مارس امسال یک گام مهم به جلو در جنبش سرنگونی طلبی و جنبش آزادی زن و تعیین آن در پیوند با این روز آزادیخواهی و برابری طلبی بود. امروز در ادامه این پیشروست که به استقبال روزهای اعتراضات بزرگمان با "۸" خواست ۸ مارس" و با گرد آمدن حول خواستهای فوری مان

میرسیم. سه شنبه آتی ۲۴ اسفند، چهارشنبه سوری روزی دیگر از روزهای اعتراضات توده ای ما مردم است. قرار و مدارهای آن گذاشته شده است و یک جنبه مهم این روز در هم شکستن دیوار آپارتاید جنسی است. ۲۴ اسفند علیه این حکومت آپارتاید جنسی، و این حکومت مرگ و عزا به خیابان بیاییم. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود.*

تجمعات اعتراضی کارگران کیان تایر ادامه دارد

بنا بر گزارش سایت اتحاد "اتحادیه آزاد کارگران ایران"، کارگران کیان تایر در ادامه تجمع اعتراضی خود در برابر بخشرداری چهاردانگه در روز شنبه هفتم اسفند ماه، روزهای دوشنبه و چهارشنبه ۹ و ۱۱ اسفند دست به برپائی تجمعات اعتراضی بزرگتری در مقابل بخشرداری چهاردانگه در جاده اسلامشهر زدند.

بنا بر این گزارش در حرکت اعتراضی کارگران کیان تایر در روز ۱۱ اسفند، در حالی که حدود پانصد نفر از آنان مقابل بخشرداری چهاردانگه دست به تجمع اعتراضی زده بودند، باقی کارگران نیز در داخل کارخانه و در پشت زده های کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر اقدام به آتش زدن ضایعات لاستیک کردند. کارگران در تجمع اعتراضی شان از جمله فراخون حمایت به مردم میدادند و بی عدالتی را محکوم میکردند.

کارگران کیان تایر در این تجمع با توجه به هفته های پایانی سال از

کارگران کیان تایر اعلام کرده اند در صورت کمترین تاخیری در اجرای توافقات صورت گرفته برای پرداخت عیدی و دستمزد هایشان اقدام به ادامه برپائی تجمعات اعتراضی در مقابل بخشرداری چهار دانگه و احتمالاً در مقابل مجلس شورای اسلامی خواهند کرد. لازم به ذکر است در پایان تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر در بیرون کارخانه در روز شانزدهم بهمن ماه جدول بندی زیر برای پرداخت دستمزد آنان تا پایان سال ۸۹ مورد توافق کارفرما و نمایندگان کارگران قرار گرفت و کارفرما متعهد به اجرای آن شد:

- ۱- اول اسفند پرداخت ۵۰ درصد عیدی کارگران
 - ۲- چهاردهم اسفند باقی مانده دستمزد بهمن ماه پرداخت شود
 - ۳- ۲۴ اسفند دستمزد اسفند ماه پرداخت شود
 - ۴- هفته آخر اسفند ماه ۵۰ درصد باقی مانده کارگران پرداخت گردد.
- بدنبال این توافق کارگران اعتراضات خود را متوقف کردند

اما روز اول اسفند ماه کارفرما فقط ۲۲ درصد از ۵۰ درصد توافق شده عیدی کارگران را پرداخت کرد که این امر اعتراض آنان را برانگیخت و منجر به سلسله تجمعات اعتراضی کارگران کیان تایر در مقابل بخشرداری چهاردانگه شد.

دستمزدهای پرداخت نشده و خطر تعطیلی کارخانه و بیکار شدن از کار یک موضوع دائمی اعتراض کارگران کیان تایر در دو ساله اخیر بوده است. این کارگران همواره با فشار اعتراضاتشان توانسته اند دستمزدهای معوقه خود را نقد کنند و در مقابل بیکارسازیها بایستند. مبارزات متحد کارگران کیان تایر، اتکا آنها به مجمع عمومی به عنوان مکانی برای متحد شدن، انتخاب نمایندگان واقعی خود در مجمع عمومی و تن ندادن به دخالت شوراهای اسلامی، همه و همه نقطه قدرتهای مبارزات کارگران کیان تایر بوده و الگوهای خوبی برای بخش های مختلف کارگری بدست داده است.

با اتکا به مجمع عمومی و ایجاد صفی متحد، کارگران

میتوانند نه تنها دستمزدهای پرداخت نشده خود را نقد کنند، نه تنها در مقابل بیکارسازیها و تهاجمات هر روزه دولت و کارفرمایان به زندگی و معیشت خود بایستند، بلکه حرکتی تعرضی و سراسری با خواست افزایش فوری دستمزدها را سازمان دهند. قیمت ها چندین برابر افزایش یافته و دستمزدها نیز باید چند برابر شود. بویژه دور جدید تظاهرات های خیابانی و فضای پر التهاب جامعه توازن قوا را بیش از پیش برای گسترش اعتراضات کارگری، اعلام اعتصابات اختطاری، و ایستادن در برابر تعرضات هر روزه دولت و کارفرمایان و به میدان آمدن طبقه کارگر به عنوان پرچمدار خواستهای کل جامعه فراهم کرده است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ اسفند ۱۳۸۹، ۴ مارس ۲۰۱۱

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

بانو منبخر ۶۰ دلار
رزگار روشن ۱۰۰,۰۰۰ کرون
مسعود آذرنوش ۶۰۰ دلار
بهرام کلاه زری ۳۰۰ دلار
مرجان واعظ ۴۶۸۰ کرون
یلدی محمودی ۶۰۰ دلار

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesap: FVIVN
Shomare hesap: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

London WC1N 3XX, UK
Telephone:
0044 (0) 7719166731
www.onelawforall.org.uk
m.namazie@onelawforall.org
rg.uk

مردم ایران، علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زن در ایران و قانون یکسان برای همه اسپانسر شده است. برای اطلاعات بیشتر و ثبت نام با آدرسها و تلفنهای زیر تماس بگیرید:

One Law for All
BM Box 2387

آدرس سایت کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار
<http://stopstonningnow.com>,
<http://notonmoreexecution.org>
minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

ابراز همبستگی صدها نفر مردم ایتالیا با زنان در ایران

نمایش فیلم سنگسار ثریا. م برای اولین بار در ایتالیا و سخنرانی مینا احدی، برونو مالاتیا و کیلی ایتالیایی سکینه محمدی آشتیانی



روز هشت مارس روز جهانی زن، شهر پردونونه در ایتالیا و سینما زرو در این شهر، مهمان صدها نفر بود. در این برنامه ابراز همبستگی با مبارزات زنان در ایران، برای اولین بار این سینما فیلم سنگسار ثریا. م ساخته سیروس نورسته را با زیرنویس ایتالیایی نمایش دادند، و سپس با حضور چند سخنران در مورد این پدیده وحشتناک یعنی سنگسار در ایران و کشورهای اسلام زده و همچنین نحوه کمک به مبارزات زنان و مردم ایران، بحث شد.

در شهر پردونونه که مردم همواره از مبارزات زنان و مردم در ایران دفاع کرده اند "کمیته ندا دی" این بار میزبان مهمانانی بود که بطور ویژه در مورد سنگسار و مبارزات زنان در ایران، صحبت میکردند. خبر نمایش فیلم در سینما "زرو" در بسیاری از روزنامه ها و رسانه های سراسری ایتالیا از یک هفته قبل از نمایش فیلم بارها مطرح شده بود و روزهای ۶ و ۷ مارس روزنامه ها در این مورد نوشته بودند. روز هفت مارس، تلویزیون سراسری ایتالیا با مینا احدی مصاحبه ای داشت که در بخش اخبار این تلویزیون با پیامی از مینا احدی خطاب به زنان ایران پخش شد.

روز هشت مارس برنامه در ساعت هشت و نیم شب با خوشامد گویی و سخنرانیهای کوتاه معاون شهردار پردونونه، مسئول فستیوالهای سینما زرو و طاهر جعفرزاده مسئول "کمیته ندا دی" آغاز شد.

سپس فیلم سنگسار ثریا. م نمایش داده شد و بعد از آن بهارک درویشی، مینا احدی و برونو مالاتیا روی سن رفتند و بهارک درویشی با

شده اند. او گفت که سنگسار تعرض به همه زنان و بشریت است و باید فوراً در همه جا ممنوع شود. مینا احدی گفت: سه دهه زندگی من با مبارزه علیه این جنایت بیشرمانه، عجیب شده و در گوشه های صدا زنی را دارم که متأسفانه نجات نیافتند و سنگسار شدند. اما ما توانستیم تعداد زیادی را نیز نجات دهیم.

امروز باید دولتها و نهادهای بین المللی همچون اتحادیه اروپا و سازمان ملل، خجالت بکشند و بعد از چند دهه سکوت، سنگسار را نمونه بارز جنایت علیه بشریت محسوب کرده و بویژه سران علیه حکومت اسلامی ایران بعنوان حکومت سنگسار که بیشترین سنگسارها را انجام داده، بازداشت و محاکمه شوند.

سپس حاضرین سوالات خود را مطرح کردند و سخنرانان به سوالات مطرح شده پاسخ گفتند. این برنامه یکی از اقدامات مهم در حمایت از مبارزات زنان ایران بود و توجه صدها نفر را به خود جلب کرد و در رسانه های زیادی منعکس گردید.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار - ۱۰ مارس ۲۰۱۱

سخنرانی کوتاهی در مورد موقعیت خطرناک هوتن کیان و کیلی سکینه محمدی آشتیانی حرف زد و بخشهایی از نامه هوتن کیان را به زبان ایتالیایی قرائت کرد. نامه ای از زندان از طرف هوتن کیان که در آن از دنیا خواسته به موقعیت خطرناک او توجه کنند.

سپس برونو مالاتیا و کیلی مبرز و سرشناس ایتالیایی که اکنون وکالت سکینه محمدی آشتیانی را به عهده دارد، در مورد اینکه با هیئتی از سوی کمیته علیه سنگسار با اتحادیه اروپا مذاکره کرده و خواهان اعزام یک کمیسیون از قضات برجسته بین المللی به ایران برای رسیدگی به پرونده سکینه شده اند، حرف زد و اینکه اتحادیه اروپا اخیراً نامه ای فرستاده و گفته است در این مورد باید با سازمان ملل هم حرف زده شود. ایشان گفت که ما این موضوع را پیگیری خواهیم کرد.

سپس مینا احدی سخنرانی کرد. او گفت: که ما در این برنامه در مورد یکی از مهمترین معضلات و یکی از وحشتناک ترین معضلات حرف میزنیم. سنگسار در ایران و کشورهای دیگری نظیر پاکستان، افغانستان، امارات متحده، سودان و بخشهایی از نیجریه و... اجرا میشود و تا کنون صدها نفر قربانی این رفتار وحشیانه

کنفرانس بین المللی در مورد حقوق زن، قانون شریعه و سکولاریسم ۱۲ مارس

سخنرانان عبارتند از: پتی دبویتاس (همبستگی با مردم ایران)، ماریا هاگبرگ (شبکه علیه خشونت های ناموسی)، الیزابت اوکیسی (جامعه سراسری سکولاریستها)، کیتا ساغال (کمپینر حقوق زن)، هاله مریت بریکس (ژورنالیست)، نادیا گیرتس، (نویسنده)، آن ماری لیزین (سخننگوی افتخاری سنای بلژیک)، مریم نمازی (قانون برابر برای همه و همبستگی با مردم ایران)، یاسمین رحمان (آکتیویست حقوق زن)، نینا سنکاری (پیشروان فمینیست اروپا در لهستان)

ساعت ۱۰ صبح تا ۱۹ عصر در دانشگاه لندن (ساعت ۱۰ صبح ثبت نام شروع می شود که برنامه سر ساعت ۱۰:۳۰ شروع شود)

محل برنامه در آدرس زیر است:

University of London
Union, The Venue,
Malet Street, London
(WC1E (Russell Square

مراسم با سخنرانی فیلسوف سرشناس ای سی گریلینگ شروع خواهد شد

۸ مارس امسال دفاع از حقوق زنان و خواست سرنگونی حکومت اسلامی

از روزهای قبل از ۸ مارس (۱۷ اسفند) تحرک گسترده ای برای تظاهرات و برگزاری مراسم شکل گرفت و مدافعین حقوق زن در شهرهای مختلف به استقبال این روز رفتند. در تهران، کامیارن و سقز و مهاباد مراسم هائی برگزار شد و قطعنامه هائی شامل خواستهای برابری طلبانه و علیه قوانین اسلامی حاکم قرائت شد و یا سخنرانی هائی حول نابرابری و بیحقوقی زنان ایراد گردید. شب قبل از هشت مارس در تعدادی از محلات تهران و کرج شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور طنین انداز شد و در شبکه های اجتماعی فضای داغی در دفاع از حقوق زن شکل گرفت. تراکت ها و اعلامیه های زیادی در تهران، کرمانشاه، سنندج و شاه آباد غرب و برخی شهرهای دیگر پخش شد که مردم را به تظاهرات فرامیخواندند. همچنین شعارنویسی هائی در تهران و برخی شهرها در دفاع از حقوق زنان در اماکن عمومی انجام شد.

روز هشت مارس بسیاری از میادین و خیابانهای تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و رشت چهره ای غیر عادی داشت و عملاً حکومت نظامی برقرار بود. هزاران نفر از نیروهای سرکوب خیابانها و میادین این شهرها را اشغال کرده بودند که مانع تظاهرات مردم شوند. علیرغم این هزاران نفر از

این مراسم ابتدا صحبتی در مورد تاریخچه هشت مارس شد. سپس بحثی در مورد ابعاد ستم کشی زن در ایران شد.

در میان بحث ها تأکیدی بر سر این بود که ما خواهان جامعه ای بدور از تبعیض و خشونت و تجاوز هستیم. یکی از سخنان از ضرورت وجود یک پلتفرم برای هشت مارس سخن گفت. گفت که ما نیاز به پلتفرمی داریم که خواست های روشن و شفاف جنبش زنان را بیان کند. ۳۲ سال پیش اگر در تظاهرات ۸ مارس یک چنین پلتفرمی وجود می داشت، نمی توانستند جامعه را به این وضعیت دچار سازند و ما به عنوان پیشروان

جنبش آزادی زن که در هر شرایطی ۸ مارس را برگزار میکنیم این وظیفه را باید برای خود در نظر بگیریم که بتوانیم جنبش زنان ایران را با خواسته هایی روشن به دنیا معرفی کنیم و دیگر نگذاریم هیچ حکومتی به حقوق ما تعرض کند همانطور که در مبارزات جاری کشور تونس میبینیم که زنان تظاهرات مستقل حول خواسته هایشان میگذارند و اعلام میکنند که مذهب نباید در تعیین حقوقشان دخالت کند، این یعنی اینکه اجازه نخواهند داد به حقوقشان دست اندازی شود. بنابراین ما که در این ۳۲ سال برای حداقل حقوق انسانی مان هزینه

های بسیار فراوانی داده ایم امروز باید با برنامه مطالباتی روشن ۸ مارس را به دنیا اعلام کنیم

امروز میبینیم که کارگران اعتصابی عربستان با خواسته های روشن از خبرگزاری ها مطرح میشوند و یا در مصر اتحادیه های کارگری با خواست های مشخص به مبارزاتشان ادامه میدهند و این ضرورت را برای ما بعد از تحمل این همه بی حقوقی دو چندان میکنند و من میخواهم از خواسته هایی که جوانان در اینترنت به عنوان خواسته های این جنبش مطرح کرده اند و تراکت هایی از آن بین شما پخش شد رابخوانم. یکی از این تراکت ها چنین میگوید:

۸-مارس روز لغو همه ی قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و برابری کامل زن و مرد در همه زمینه های اقتصادی سیاسی اجتماعی خانوادگی و فرهنگی است

۸-مارس روز لغو جناسازی جنسیتی در سطح جامعه از جمله در دانشگاهها مدارس ادارات و محیط های کار و اماکن اجتماعی است

۸-مارس روز لغو و ممنوعیت هر نوع تعرض به زنان تحت عنوان بد حجابی و حجاب اجباری است

۸-مارس روز لغو مجازات سنگسار و

اعدام است

۸-مارس روز آزادیخواهی و برابری زن و مرد در جامعه و خواهان یک جامعه انسانی بر مبنای محترم شمردن حقوق انسان ها و آزادی بدون قیدو شرط سیاسی و پر از رفاه و شادی است

۸-مارس روز جهانی زن و روز مبارزه برای بدست آوردن همه حقوق انسانی است

و من فراخوانم به همه ی شما پیشروان جنبش زنان این است امروز که جامعه ۸ مارس را شناخته است و روز ۸ مارس امسال را به عنوان روز اعتراض خود معرفی کرده و اعلام تظاهرات شده است ما نیز از همه امکانات خود از قبیل ویلاگ و فیسبوک و... برای بالا بردن و فراگیر شدن این خواسته ها و حتی تکمیل شدن آن و اعلام شفاف آنها به دنیا تلاش کنیم تا خبر گزاریهایی مثل سی ان ان جنبش زنان ایران را نه با کمپین

یک میلیون امضا بلکه با پلتفرم روشن ما معرفی کند و به دنیا بگوییم که به کمتر از آن رضایت نخواهیم داد. همه با نگاههای دلگرم کننده و شادی به من مینگریستند. و به این صورت ما به استقبال و تدارک هشت مارس رفتیم.

زنده باد ۸ مارس



عکس هایی از گرامیداشت ۸ مارس در خارج کشور

دو خبر از اعتراضات کارگری در شیراز و میبد

کارگران مجتمع صنعتی گوشت حضور احمدی نژاد در شیراز را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند

بنا بر اخبار منتشر شده، روز دوشنبه ۱۶ اسفند همزمان با سفر احمدی نژاد به شیراز، کارگران مجتمع صنعتی گوشت در اعتراض به عدم پرداخت حق سنوات و بازنشستگی خود در مقابل استانداری فارس تجمع کردند. کارگران با در دست داشتن

پلاکاردهایی با مضامینی چون: "ما همچنان گرسنه‌ایم" و "ما کارگران را به سرمایه داران خون آشام فروخته‌اند"، در نزدیکی تالار سخنرانی احمدی نژاد جمع شده و حضور او را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از ترس کشیدن این اعتراض به سطح شهر فوراً در محل حاضر شد و کارگران را مجبور به ترک محل کرد. ۱۰۷ کارگر مجتمع صنعتی گوشت شیراز در رابطه با این

دو اعتراض کارگری به پرداختن دستمزدها

خود ادامه خواهند داد.

روز بعد از این حرکت اعتراضی موفق، کارگران متوجه توطئه ای علیه خود شدند. هنگامیکه جهت رفتن به سر کار کارگران در محل سرویس های ایاب و ذهاب حاضر شدند، خبری از این سرویس ها نبود. کارگران خود را با ماشین های شخصی و ماشین های کرایه ای به محل کار رساندند. اما با ممانعت حراست برای ورود به محل کار روبرو شدند و به آنها اعلام شد که همگی

موضوع بارها تجمع اعتراضی برپا داشته و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستشان به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

کارگران کاشی و سرامیک سازی دولتی در میبد دست به تجمع اعتراضی زدند

بنا بر گزارشی از هرانا روز شنبه ۱۴ اسفندماه، کارگران کارخانه کاشی و سرامیک سازی دولتی در میبد با تجمع مقابل دانشگاه آزاد این شهر خواستار پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خود شدند. اتفاق مهم در این حرکت اعتراضی

اخراج هستند. کارگران متحدانه به این توطئه کارفرمای شرکت اعتراض کردند. با انعکاس صدای اعتراض کارگران در شهر پایه، فرماندار شهر از ترس گسترش این اعتراض به شهر از مدیریت کارخانه خواست که کارگران را بسرکارشان بازگرداند. کارگران سد مخزنی داربان در دو شفت روز و شب و در شرایط کاری دشواری به کار اشتغال دارند.

اعتصاب کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد

بنا به گزارشی که ۸ اسفند منتشر شده، ۵۰۰ کارگر کارخانه

پیوستن دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه آزاد میبد به صف کارگران بود. بطوریکه با پیوستن دانشجویان شعارهایی از قبیل "مرگ بر دیکتاتور" و "دانشجو- کارگر، اتحاد- اتحاد" بالا گرفت. این تجمع اعتراضی با قرائت بیانیهای به پایان رسید. در این بیانیه، کارگران احمدی نژاد را "دیکتاتوری کوچک اما دروغگویی بزرگ" نامیدند و وعده هایش را "وعده سر خرمن" خواندند. روز قبل از آن نیز توسط این کارگران جاده میبد - اردکان و میبد - یزد به مدت بیست دقیقه مسدود

پارسیلون خرم آباد در اعتراض به نپرداختن دستمزدهایشان چندین روز است در اعتصاب بسر میبرند. این کارگران روز ۸ اسفند چهارمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. کارگران در این روز در محوطه کارخانه تجمع کرده و بر خواست پرداخت فوری طلبهایشان پافشاری کردند. کارخانه پارسیلون خرم آباد همواره یک مرکز دائم اعتراض و مبارزه کارگران در مقابل تعرضات کارفرمایان و دولت بوده است. این کارخانه قبلاً دارای دو هزار کارگر بود که هزار و پانصد نفر آنها طی

شده بود. تجمع کارگران مجتمع صنعتی گوشت در شیراز و تبدیل حضور احمدی نژاد به صحنه اعتراض و پیوستن دانشجویان به صف کارگران، هر کدام به نوبه خود شکلهای جدیدی از کشاندن اعتراض به سطح جامعه و جلب حمایت مردم است. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ اسفند ۱۳۸۹، ۹ مارس ۲۰۱۱

چند سال اخیر از کار بیکار شده اند. نپرداختن دستمزدها توسط کارفرمایان یک جنایت آشکار علیه کارگران است. با مبارزه ای سراسری و متحد میتوان و باید این تعرض کارفرمایان و حکومت اسلامی شان را به شکست کشاند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۳ اسفند ۱۳۸۹، ۴ مارس ۲۰۱۱

رییس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندانند. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان

آزاد شوند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۶ اسفند ۸۹، ۶ مارس ۲۰۱۱

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر
00447779898968
bahram.soroush@gmail.com بهرام سروش
0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاک ویژه این کمپین سر بزنید. <http://free-them-now.blogspot.com/p/>



اطلاعیه ۹۰: دادگاه جمهوری اسلامی برای رضا شهابی به تعویق افتاد، بیماری قلبی منصور اسانلو نگران کننده است

حمایت از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی که در بیش از ۴۰ شهر جهانی برگزار شد، یکی از عکسهای که تظاهر کنندگان در دست داشتند، عکس رضا شهابی بود. در ۲۸ آذر رضا رضا در پاسخ به این همبستگی و تقاضای خانواده و جمعی از همکارانش که کتبا برای او نامه داده بودند، بعد از دو هفته به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. اما جانینان اسلامی رضا شهابی را تا اکنون در اسارت خود نگاهداشته اند.

بنا بر خبر دیگری از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد در ۱۱ اسفند، طبق اظهار همسر منصور اسانلو، اسانلو به دلیل ناراحتی قلبی در این هفته از زندان به بیمارستان منتقل و پس از یک سری معاینات پزشکی مجدداً به زندان منتقل شده است و تصمیم برای ادامه معالجات او به روزهای آینده موکول گردیده است. این درحالیست که او در ۲۲

امروز ۱۵ اسفند روز دادگاهی کردن رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد توسط جانینان اسلامی بود. بنا به اطلاعیه سندیکای واحد به دلیل ارسال پرونده وی به دادستانی، دادگاه او تشکیل نشد و انجام آن به وقت دیگری موکول گردید.

رضا شهابی از ۲۲ خرداد، یعنی حدود ۹ ماه است که در بند ۲۰۹ زندان اوین در بازداشت بسر میبرد. قبلاً برای او وثیقه ۶۰ میلیون تومان تعیین شده بود و با وجودیکه خانواده وی وثیقه را آماده کرده بودند، اما مقامات قضایی جمهوری اسلامی رضا را آزاد نکرده و وی را همچنان در بازداشت خود نگاهداشته‌اند. رضا شهابی در اعتراض به وضع بلا تکلیف خود در ۱۳ آذر دست به اعتصاب غذا زد و این اعتراض او با یک همبستگی وسیع از سوی همکارانش و کمپین جهانی کارگری روبرو شد. از جمله در تظاهرات های ۲۹ ژانویه در

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

نپرداختن قبض ها وسعت میگیرد

قبلا در اطلاعیه هائی گفتیم که مردم شهرهای خرم آباد، درود، ازنا، الیگودرز و درود و شازند اراک مردم در مقابل قبض های گران گاز در اواخر بهمن و اوایل اسفند دست به تجمعات اعتراضی زدند و از پرداخت قبض ها خودداری کردند و این مبارزات با موفقیت رو برود شد. طبق گزارش دیگری که به حزب رسیده است در شهر نجف آباد نیز مردم دست به ابتکار جالبی زدند، بطور سازمان یافته شروع به جمع آوری قبض ها از خانه های مردم کردند و آنها را تحویل اداره گاز این شهر دادند و بدین طریق از پرداخت قبض گاز خودداری کردند. حکومت اسلامی تاکنون عکس العملی نشان نداده است.

طبق همین گزارش در بسیاری از شهرها مردم از پرداخت قبض های

آب و برق و گاز خودداری میکنند و این مساله چنان ابعاد وسیعی به خود گرفته که جمهوری اسلامی جرات قطع آب و برق و گاز آنها را ندارد. جمهوری اسلامی که در بحران عمیقی دست و پا میزند و گسترش خشم و اعتراض مردم را میبیند، محبور به نرمش شده و در بخشی از محلات شهرهای مختلف قبض ها را به قیمت سابق صادر کرده است.

حزب کمونیست کارگری همه مردم را به نپرداختن قبوض آب و برق و گاز فرامیخواند. رژیم در موقعیت شکننده ای است و جرات و توان مقابله با اعتراضات توده ای را ندارد. آب و برق و گاز باید رایگان شود و این حق مردم است که از پرداخت آنها کاملا خودداری کنند.

امکان شکل گیری يك جنبش بسیار عظیم و قدرتمند در مقابله با سیاست

در چهار شهر مردم تجمع کردند و قبض گاز را پاره کردند، مبارزه برای نپرداختن قبض ها گسترش می یابد

مردم حق دارند از پرداخت قبض های آب و برق و گاز خودداری کنند، فشار اقتصادی کمرشکن را روی خود کاهش دهند و با این کار کمر رژیم را بشکنند. این حرکتی است که میتواند کل مردم ایران را به يك مقابله توده ای و عظیم مقابل رژیم دزدان و قاتلان بکشاند. حزب کمونیست کارگری همه مردم در سراسر کشور را فرامیخواند که در هر شهر و محله ای بطور سازمان یافته دست به تجمع بزنند، قبض ها را پاره کنند و از پرداخت آنها خودداری کنند. مردم شهرهای خرم آباد و اراک راه را به سایر مردم نشان داده اند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ اسفند ۱۳۸۹، ۷ مارس ۲۰۱۱

به گزارشی یکی از خبرنگاران حزب مردم شهرهای ازنا و الیگودرز در خرم آباد و شهرهای درود و شازند اراک علیه قبض های گران باز دست به تجمع اعتراضی زدند و قبض ها را پاره کردند.

این واقعه مربوط به سه هفته قبل بوده است و در هر کدام از این چهار تجمع صدها نفر شرکت داشتند. تجمع مردم درود و شازند در مقابل فرمانداری اراک بوده است. بدنبال این شهرها، در خرم آباد نیز، همانطور که قبلا اطلاع دادیم، روز ۱۲ اسفند بیش از هزار نفر از مردم چهار محله این شهر در اعتراض به قبض های گران گاز به شرکت گاز حمله کردند و شیشه های آنرا شکستند. این حرکت مهمی است که در این شهرها شروع شده است.

کارگران پتروشیمی تبریز با موفقیت به اعتصاب پایان دادند

زنده باد مبارزات متحد کارگران

هستند، خواست کارگران پتروشیمی مورد قبول استانداری آذربایجان شرقی و وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفت و کارگران با گرفتن قول مساعد در ۱۷ اسفند، به اعتصاب خود پایان دادند. اما حرف کارگران این است که اگر به این وعده عمل نشود، در اشکال گسترده تری اعتراض خود را ادامه خواهند داد.

بنا بر خبر کارگران پتروشیمی تبریز هر کدام ۱۵ تا ۱۷ سال سابقه کار دارند و بدلیل استخدام پیمانی خود در قبال همان کاری که توسط کارگران رسمی انجام میگردد، دستمزد بسیار ناچیزی به آنها تعلق میگردد. با موفقیت کارگران پتروشیمی در این اعتراضات و تبدیل استخدامهای آنها به استخدام های دائمی، دستمزد این کارگران نیز

بنا بر اخباری که دریافت کرده ایم و همچنین برخی گزارشات منتشر شده، ۱۷۰۰ کارگر قراردادی پتروشیمی تبریز که از روز شنبه ۷ اسفند ماه دست به اعتصاب زده بودند، روز سه شنبه ۱۷ اسفند با موفقیت به اعتصاب یازده روزه خود پایان دادند.

خواست این کارگران تبدیل قراردادهای موقت به قراردادهای دائم و حذف پیمانکار و قرارداد مستقیم با این واحد تولید بود. در نتیجه تداوم اعتصاب یکپارچه کارگران پتروشیمی و ترس مدیران کارخانه و مسئولین رژیم از کشیده شدن این اعتراضات به بخش های دیگر مراکز کارگری وابسته به صنعت نفت، که دارای همین خواستها و همین شرایط کاری

همسطح کارگران رسمی خواهد شد. بدین ترتیب این يك موفقیت بزرگ برای کارگران پتروشیمی تبریز و يك الگوی مهم برای همه کارگرانی است که در شرایطی مشابه با کارگران پتروشیمی تبریز کار میکنند.

طی یازده روز اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز با مقاومت سرسختانه خود همواره توانستند صف خود را متحد نگاهدارند، مرتبا مدیریت و مسئولین را به حضور در جمع خود و مذاکره و گفتگو با نمایندگانشان وادار کنند، در برابر وعده و وعیدها و تهدیدات و تفرقه افکنی های آنها بایستند و سرانجام با عقب نشینی کارفرمایان و استاندار و وزارت کار و کل مقامات ردیف شده دولت، با موفقیت اعتصاب خود را به پایان برسانند.

حزب کمونیست کارگری ایران این موفقیت را به کارگران پتروشیمی تبریز تبریک میگوید.

هم اکنون بخش عظیمی از کارگران ایران بصورت استخدامهای پیمانی با قراردادهای موقت و بعضا سفید امضا به کار اشتغال دارند. شکلی از استخدام برده وار کارگر که در آن دست کارفرما برای تحمیل بدترین شرایط کار به کارگران باز گذاشته شده و بیکارسازی و از دست دادن کار دائم کارگران را تهدید میکند. اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز با خواست قرارداد دائم برای کارگران يك اقدام مهم از سوی این کارگران است و راه را به سایر کارگران نشان میدهد.

اکنون ۱۷۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز در کنار دیگر کارگران این مجتمع نیروی بزرگی هستند که میتوانند در تداوم همین تجمعات اعتراضی ای که داشته اند، مجمع

عمومی خود را بعنوان يك رکن پایه ای تشکلهای و بعنوان محلی برای تصمیم گیری و متحد ماندن خود، بصورت منظم و در موعدهای تعیین شده تشکیل دهند، نمایندگان واقعی خود را در این مجامع انتخاب کنند و با قدرت اعتراض جمعی شان خواستهای خود را به پیش ببرند. با چنین مبارزه متحدی کارگران پتروشیمی تبریز بدون شک نه تنها میتوانند در برابر زور گویی کارفرمایان بایستند، بلکه با طرح سایر خواستهای خود از جمله خواست افزایش چندین برابر سطح دستمزدها به جلو بیایند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اسفند ۱۳۸۹، ۹ مارس ۲۰۱۱

همزمان کارخانجات مختلف بر سر خواستهای مشترکی که دارند در سطح يك یا چند شهر و تلاش برای جلب پشتیبانی مردم شرافتمند و آزادخواه از این اعتراضات از ارکان مهم پیروزی مبارزات کارگری است.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی برابری حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اسفند ۱۳۸۹، ۹ مارس ۲۰۱۱

حکومت و نیروهای مزدور حمایت میشوند. مبارزه علیه نپرداختن دستمزدها يك مبارزه مهم کارگران است و به همه کارگران مربوط است. شرکت خانواده های کارگران در این تجمعات اعتراضی بدون شک مبارزات کارگران را قدرتمند تر خواهد کرد. حرکت متحد کارگران و متکی بودن آنان به تصمیمات جمعی شان در مجامع عمومی کارگری، حمایت بخشهای مختلف کارگری از اعتراضات یکدیگر، اعتراضات

کردند و مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. اعتراضات این کارگران همچنان ادامه دارد.

نپرداختن دستمزدها باعث شده که نه تنها کارگران قادر به تامین نیازهای اولیه خود نیستند بلکه فرزندان برخی از کارگران مجبور به ترك مدرسه یا دانشگاه شده اند.

بالا کشیدن دستمزد فقیرانه کارگران توسط کارفرمایان يك جنایت آشکار در حق کارگران است. این دزدان و چپاولگران توسط

تجمع اعتراضی کارگران نساجی مازندران

از حقوق کارگران پرداخت خواهد شد و در ظرف يك ماه دستمزد ۴ ماهه معوقه کارگران پرداخت میشود. کارگران نساجی مازندران بارها در رابطه با دستمزدهای پرداخت نشده و خطر تعطیلی کارخانه دست به تجمع اعتراضی زده اند. از جمله در سیزدهم آبان کارگران از محل کارخانه به طرف شهر راهپیمایی

روز ۱۸ اسفند کارگران کارخانه نساجی مازندران با در دست داشتن پلاکاردها و پارچه هایی که بر روی آن خواستهای خود را نوشته بودند، در مقابل فرمانداری قائمشهر تجمع کردند. این کارگران ۴ ماه دستمزد خود را دریافت نکرده اند. در عکس العمل به این اعتراض فرماندار شهر اعلام کرد که در هفته جاری دو ماه

ترجمه مصاحبه یک روزنامه چاپ سوئد با فریده آرمان در روز زن ۸ مارس

روز شادی برای فریده

امید به آینده ای روشن بعد از تحولات در خاور میانه و شمال آفریقا او از دهه هفتاد برای آزادی و حق زنان کارش را شروع کرد. او در

مخفی شد. همسرش دستگیر و اعدام شد. با وجود فرار او به سوئد رژیم باز هم دنبال آنها بود، 1989 همسر جدید فریده آرمان توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به ترور شد. این يك اعدام به معنای

مخفی شد. همسرش دستگیر و اعدام شد. با وجود فرار او به سوئد رژیم باز هم دنبال آنها بود، 1989 همسر جدید فریده آرمان توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به ترور شد. این يك اعدام به معنای

۸ خواست ۸ مارس! جنبش رهائی زن در ایران



در کمتر کشوری مانند ایران

۴- ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات. حق بیقید و شرط جدائی (طلاق) برای زن و مرد. لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان (نظیر حق مسافرت، معاشرت، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و غیره) را به کسب اجازه از شوهر، پدر، و یا سایر مردان خانواده مشروط میکند. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امر تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی

۵- جدایی کامل دین از دولت، آموزش و پرورش و کلیه قوانین. آزادی مذهب و بی مذهبی و آزادی نقد مذهب

۶- لغو کلیه احکام و قوانین وحشیانه و ضد انسانی سنگسار و اعدام و قصاص و سایر مجازاتهای اسلامی

۷- آزادی کلیه زندانیان سیاسی. آزادی بی قید و شرط بیان، اعتراض، تشکل، تحزب، اعتصاب و اجتماع.

۸- عزل و محاکمه سران و دست اندرکاران حکومت به جرم جنایت علیه بشریت و از جمله به جرم بیش از سه دهه تحمیل شیخ ترین تحقیرها، سرکوبیها و بیحقوقی مفرط به زنان

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن سرنگون باد حکومت ضد زن اسلامی

۳- لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان و به رسمیت شناسی کامل آزادی پوشش

زنان اینچنین مورد شنیع ترین تحقیرها و خشن ترین سرکوب ها قرار گرفته اند و در کمتر کشوری مانند ایران شاهد حضور چنین گسترده و همه جانبه زنان در عرصه های مختلف نبرد هستیم. جامعه ایران تشنه رهائی از شر يك حکومت بغایت ضد زن و ضد انسان است و انقلاب در ایران خصلتی زنانه و ضد اسلامی دارد. خواست های زیر از جمله مهمترین خواست های زنان و همه جوانان و مردم پیشرو و آزادیخواه است. تحقق این خواستها و آزادی زنان در ایران در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. این خواست ها را همه جا بر پرچم مبارزات خود اعلام کنیم و روز ۸ مارس (۱۷ اسفند) برای تحقق این خواست ها و با شعار حکومت ضد زن سرنگون سرنگون هرچه گسترده تر به خیابان بیاییم.

۱- لغو همه قوانین و مقررات ضد زن اسلامی و کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی

۲- لغو جداسازی جنسیتی و آپارتاید جنسی

۳- لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان و به رسمیت شناسی کامل آزادی پوشش



فریده می گوید: مدارس مذهبی باید بسته شود و ما همچنین خواهان این هستیم که مراکز مذهبی که با حمایت مالی دولتهای دیکتاتور در کسور سوئد تاسیس می شود متوقف شود این مراکز برای گسترش اسلام سیاسی است.

"لیبی، ایران و عربستان سعودی این را می خواهند این يك عامل تقویت خشونت های ناموسی است."

سوال می شود که منظور فکر می کنی از اینکه يك زن در کشور سوئد هستی؟

"به جامعه برابر هنوز خیلی مانده که برسیم زنان زیادی در همین کشور دو برابر کار می کنند و دستمزد برابر برای زنان با مردان وجود ندارد."

یکی از همکاران این انجمن سودابه کاظمی است که در طول مصاحبه در کنار فریده نشست و گوش می کند او می گوید که خوشحال است در اینجا می تواند آزادانه اظهار نظر کند بدون اینکه دستگیر شود. این را فریده ترجمه می کند و دوباره لبخند میزند.

مصاحبه کننده: لنا بریت نر

واقعی بود. فریده می گوید "من در سوئد هم مورد تهدید قرار گرفتم موقعی که برنامه رابوئی اجرا میکردم و حتی موقعی که به زنان مورد خشونت واقع شده کمک میکردم."

فریده می توانست آدم عصبانی باشد ولی زنی که ما ملاقات کردیم پر بود از صمیمیت و با لبخند بزرگی بر لب.

او گفت که امروز بلوز قرمز پوشیده وقتی قرار بود از او عکس گرفته شود و با لبخندشیرینی در دوربین نگاه می کند فریده می گوید. "امروز روز شادی است" او دیر کمیته دفاع از حقوق زنان در مالمو است. در روز هشت مارس آنها می خواهند در همبستگی با زنان در ایران، خاور میانه و شمال آفریقا تظاهرات کنند.

از فریده سوال می شود که آیا از آمدن دیکتاتورهای جدید وحشت ندارد؟

فریده پاسخ می دهد: "زنان و جوانان جرات این را دارند که به خیابان بروند و تظاهرات کنند. این پروسه قابل متوقف کردن نیست کمپ آنها برای يك جامعه سکولار و

این تلاش دو همسرش را برای آزادی و حقوق مردم در ایران از دست داد. با وجود تهدیدهایی که می شود به مبارزه اش برای حقوق زنان ادامه می دهد.

فریده آرمان زنی است که در زندگیش خیلی چیزها را تجربه کرده است. او کمی بیشتر از ۵۰ سال سن دارد. در اواخر دهه هفتاد موقعی که بیست و چند سال بیش نداشت علیه حکومت دیکتاتوری شاه در ایران به مبارزه پرداخت.

-فریده می گوید: "انقلاب علیه شاه و بر علیه فقر در جامعه شروع شد. به جای دمکراسی و رفاه ایت الله ها به قدرت رسیدند. یکی از ضد زن ترین رژیم های دنیا"

آیت الله خمینی خط و نشان کشید که باید حجاب برای زنان اجباری شود.

"ما زنان هزاران نفر به تظاهرات در تهران پرداختیم. آنها زنان را از محیط های کار اجراج می کردند، کنترل میکردند که آیا زنان خود را آرایش میکنند. فشار به زنان يك روش برای ترساندن و عقب راندن جامعه بود"

در اوایل دهه هشتاد فریده آرمان

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سردبیر: کاظم نیکخواه
kazem.nikkhah@gmail.com
دستیار سردبیر: شهاب دانشفر
هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود